

نقش شیطان در تحقق شرور اخلاقی از دیدگاه فخر رازی

اکرم صالحی^۱

رضا اکبری^۲

چکیده

از نظر فخر رازی شیطان با روش کلی وسوسه، از طریق راه‌هایی همچون تزئین، وعده دهی باطل، آرزو افکنی، سحر و ...، باعث جهت دهی اراده انسان در انجام شرور اخلاقی می‌شود. از نظر او شیطان گاه در قالب بشر متمثل می‌شود و گاه مستقیماً با قوای باطنی به ویژه قوای وهم و خیال مرتبط می‌گردد و از طریق وسوسه خواطر شیطانی را به انسان القا می‌کند. خواطر شیطانی باعث غفلت انسان شده و با پدید آوردن وارونگی معرفتی اراده او را از مسیر درست منحرف می‌سازند. او معتقد است عواملی همچون خروج مزاج عقل از اعتدال، ضعف قوه حافظه، استعانت از قوای شهوت و غضب... از جمله عوامل اثرگذار در پذیرش خواطر شیطانی و عواملی همچون استعاده، حکمت، عبودیت، امداد ملائکه و ... از جمله موانع پذیرش این گونه خواطر هستند. هدف این مقاله یافتن پاسخ به مسئله شر به عنوان مسئله ای جدید در دوره معاصر از خلال دیدگاه فخر رازی است. برای استخراج دیدگاه فخر رازی از روش تفسیر متن و برای بازسازی دیدگاه او در مواجهه با مسئله شر از روش تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

فخر رازی، شیطان، شرور اخلاقی، وارونگی معرفتی، مفاتیح الغیب.

۱. دانشجوی دکتری رشته کلام، گرایش فلسفه دین، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: salehia2003@gmail.com

۲. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه

Email: r.akbari@isu.ac.ir

السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۱۵ تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۷

طرح مسأله

یکی از مسائلی که در دوره معاصر در فضای مباحث اعتقادی و غالباً در خلال مباحث فلسفه دین مطرح شده مسئله شر^۱ است. این مسئله به عنوان چالشی فرا روی خدا باوران قرار گرفت و تلاش‌های متعددی در پاسخ به آن انجام گرفت. مسئله شر در دو قالب مسئله منطقی^۲ و مسئله قرینه‌ای^۳ مطرح شده است. تقریر منطقی از مسئله شر نخستین بار توسط جی. ال. مکی^۴ ارائه شد^۵. از نظر او وجود هر گونه شر در جهان در تعارض با علم مطلق و خیر خواهی مطلق خداوند است. مسئله قرینه‌ای شر نخستین بار توسط ویلیام رو^۶ مطرح شد^۷. او به جای بیان تعارض میان هر اندازه از شر با وجود خداوند به کیفیت شرور در جهان توجه کرد. او با معرفی اصطلاح خدا ناپاوری دوستانه^۸ معتقد شد که وجود برخی شرور خاص در جهان هر چند با اصل وجود موجودی قدرتمند و خیر خواه در عالم تعارض ندارد اما با وجود موجودی که قدرت مطلق و خیر خواهی مطلق داشته باشد در تعارض است. در هر دو مسئله، به تمایز میان شرور توجه شده است.

معمولاً شرور به طبیعی^۹ و اخلاقی^{۱۰} تقسیم شده‌اند. شرور طبیعی شروری است که در در پیدایش آنها ظاهراً انسان نقشی ندارد. شرور اخلاقی شروری است که در تحقق آنها انسان دارای نقش است. بر این اساس، تحقق زلزله و مرگ انسان‌های متعدد شر طبیعی است اما قتل یک انسان بیگناه شر اخلاقی محسوب می‌شود.

1. Problem of evil

2. Logical problem of evil

3. Evidential problem of evil

4. J. L. Mackie

۵. بعد از جی. ال. مکی افراد دیگری نیز مسئله منطقی شر را در قالب‌های دیگر مطرح کرده‌اند. یکی از

مهم‌ترین افراد شلنبرگ است. در خصوص دیدگاه او و پاسخ‌هایی که به او داده شده رک: نام آور، نبوی،

سعیدی مهر، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱-۲۱۲.

6. William Rowe

۷. بعد از ویلیام رو افراد دیگری نیز مسئله قرینه‌ای شر را مطرح کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها وسلی

سمون است. در خصوص دیدگاه او رک: پورحسین، حاتمیان، ۱۳۹۴، ص ۵۳-۷۲.

8. Friendly atheism

9. Natural evil

10. Moral evil

با توجه به نقش انسان در تحقق شرور اخلاقی و با توجه به روند کنش انسان و امور متعددی که در آن مدخلیت دارند نقش شیطان در تحقق این گونه شرور مورد توجه قرار گرفته است. فخر رازی از متکلمان و مفسران بزرگ مسلمان است که در تفسیر بزرگ خود به مباحث کلامی نیز توجه داشته است. او در تفسیر خود به مسئله جایگاه شیطان در نظام خلقت و نقشی که در تحقق شرور اخلاقی دارد توجه کرده و نکات مهمی را در این زمینه بیان کرده است.

متأسفانه مسئله نقش شیطان در تحقق شرور اخلاقی علی رغم اهمیت آن مورد توجه چندانی قرار نگرفته است و مقاله ای را نمی توان یافت که به این مسئله پرداخته باشد. مراجعه به منابع مکتوب نشان می دهد که صرفاً در چند مقاله شاهد بحث هایی عمومی درباره شیطان هستیم^۱. لذا به نظر می رسد که جای این بحث مهم در فضای تحقیقی کشور خالی است و مقاله حاضر با توجه به آثار فخر رازی تلاش کرده است که به صورت جزئی تر با تاکید بر نقش شیطان در تحقق شرور اخلاقی به این مسئله مهم توجه کند.

۱. راه‌ها و شیوه‌های تأثیرگذاری شیطان در تحقق شرور اخلاقی

فخر رازی با نظر به آیات متعدد قرآن از مفهوم عام و سوسه به عنوان شیوه کلی اثر گذاری شیطان در تحقق شرور اخلاقی نام می برد. و سوسه عنوانی است کلی^۲ برای تمامی شیوه های به کار گرفته توسط شیطان در گمراه سازی خلق که با مواظبت و مداومت بر آن به اهداف خود دست می یابد. این شیوه در واقع القاء حروف و اصوات پنهانی بر قلب است که دیگری از آن اطلاع ندارد و هر کس به صورت وجدانی آن را درک می کند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۲۴ و ج ۱، ص ۷۱) بررسی مطالب متفرق در آثار فخر رازی نشان می دهد که این مفهوم شامل مصادیق متعددی از نحوه عملکرد شیطان است.

۱. از جمله می توان به مقالات زارع (۱۳۹۴)، خادمی (۱۳۹۵)، شکر (۱۳۹۳) طاهریان (۱۳۹۱) و قاسمی (۱۳۸۱) اشاره کرد.

۲. فخر رازی مراد از عباراتی همچون همزات شیاطین (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۹۲)، خطوات شیاطین شیاطین (رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۵۲-۲۵۳) و خواطر شیاطینی (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۶) را همان سوسه‌های شیاطینی معرفی می کند.

۱-۱. تزئین

تزئین شیطان به معنای خلق و ایجاد علم به منافع و لذات حاصل از عمل، در قلب، و خلق نکردن علم به مضرات آن است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۵۴۲). شیطان از این طریق سبب می‌شود که انسان کاری نادرست را به دلیل تزئینی که توسط شیطان به آن داده شده است انجام دهد و شری اخلاقی تحقق یابد.

۱-۲. نزع و مس

فخر رازی با استناد به آیاتی همچون آیات ۲۰۰ و ۲۰۱ از سوره الاعراف (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۳۶) و آیه ۲۷۵ از سوره البقره (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۹) بیان می‌کند که تعبیر نزع برای مرحله ابتدایی و سوسه برای تحقق شر و تعبیر مس مربوط به مراحل شدیدتر آن و به نوعی لمس و برخورد شیطان با انسان است.

۱-۳. دچار فراموشی کردن (انساء)

گاه شیطان انسان را گرفتار فراموشی می‌سازد. از جمله می‌توان به داستان حضرت یوسف علیه السلام و درخواست او از یک زندانی برای توجه دادن عزیز مصر به او اشاره کرد (یوسف/۴۲). در این ماجرا شیطان به عنوان عامل فراموش کردن یاد خداوند توسط حضرت یوسف معرفی شده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۶۱-۴۶۲)^۱ مقصود از نسیان در اینجا آن است که شیطان با وسوسه خود باعث می‌شود نسبت به آن چه داریم بی‌توجهی کنیم. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۶۱-۴۶۲). هر چند که ما در اینجا با شر اخلاقی با معنای مصطلح آن سروکار نداریم اما می‌توانیم این عامل را به موارد تحقق شرور اخلاقی نیز تعمیم دهیم.

۱-۴. آرزو افکنی (القاء امانی)

قوی‌ترین حيله‌ی شیطان برای گمراه‌سازی، آرزو افکنی در قلب است که حرص را به دنبال دارد که خود مستلزم اخلاق ناپسند است. حرص موجب معصیت و آزار خلق شده و طلب آرزوها نیز، فراموشی آخرت و غرق شدن در دنیا و در نتیجه قساوت قلب را به دنبال دارد. فخر رازی به مواردی که در آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ از سوره النساء ذکر شده

۱. قول دومی نیز مطرح است که شیطان آن جوان را دچار فراموشی کرد تا نتواند از یوسف نزد پادشاه یاد کند. در هر دو قول، ایجاد فراموشی به شیطان نسبت داده شده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۶۱-۴۶۲)

(مواردی همچون غرور) به عنوان نتایج آرزو افکنی شیطان اشاره می کند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۲۲-۲۲۴)

فخر کارکرد آرزو اندیشی را در قالب مفاهیم «تشویش»، «نقصان» و «بطلان» توضیح می دهد. «تشویش» یک نوع بیماری روانی است که شخص دارای آرزو به جای استخراج معانی دقیق و راه حل های درست با استفاده از عقل، به تحصیل مقاصد شهوانی و غضبی مشغول گردد. «نقصان» به معنای سستی نسبت به آخرت است که ناشی از طلب مقاصد دنیوی است. بطلان به معنای از بین رفتن رغبت به آخرت و جایگزینی نفرت نسبت به آخرت است که ناشی از مداومت بر درخواست لذت های دنیوی است. این مداومت باعث می شود که سخن و فعل انسان صرفاً در جهت مقاصد دنیا صورت پذیرد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۲۲-۲۲۴). با این توضیح، آرزو افکنی شیطان باعث می شود که شخص ابتدا گرفتار تشویش نسبت به امر آخرت شده و آنگاه گرفتار نقصان شود؛ و در نهایت، بطلان تفکر در امر آخرت حاصل شده و دنیا طلبی به نحو کامل در او جایگزین شود.

۵-۱. ایجاد مانع جهت بازگرداندن از مقصد (تولیه)

شیطان با ایجاد مانع در مسیر حرکت فطرت الهی، موجب تغییر مسیر از حق به سمت باطل گشته و راه را جهت تحقق شر اخلاقی هموار می سازد. این مانع گذاری یا به صورت مستقیم حاصل می شود، (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۷۰ و ج ۵، ص ۱۸۶) یا به شکل غیر مستقیم. فخر برای دعوت مستقیم به آیه ۱۶۹ البقره اشاره می کند. در این آیه بیان شده است که شیطان انسان را به معصیت و متفر بودن از اطاعت الهی دعوت می کند. فخر مثال هایی از دعوت غیر مستقیم را نیز در اختیار ما نهاده است. ترغیب به صفت مذموم ریا و امر به عبادت خداوند برای امری غیر الهی مانند ریاست (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۳۰۱) و ایجاد کسالت (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۱۱) از جمله این موارد است.

علاوه بر موارد فوق، ازاله به معنای ایجاد لغزش (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۵)، سحر (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۴۳۱)، وعده دهی باطل (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۲۲-۲۲۵)، تخویف (رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۳۵)، ایجاد شبهه در قلوب (رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۲۴)، ایجاد فتنه و دشمنی (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۳۵۴-۳۵۵)، شراکت در اموال و اولاد، ایجاد شک نسبت به

قیامت و ازلی بودن دنیا (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۱۳)، دعوت به جهل و کفر نسبت به خداوند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۶)، عناوین و مصادیق مختلفی از شیوه وسوسه است که شیطان برای گمراه سازی و تحقق شرور اخلاقی به کار برده و فخر رازی به آنها توجه داشته است.

۲. نحوه تاثیر گذاری شیطان

فخر رازی معتقد است وسوسه شیطان می تواند از طریق تمثل به صورت بشر صورت گیرد و یا به نحو پنهانی از طریق تاثیر بر قلوب باشد. (رازی، بی تا، صفحه ۴۴) او برای مورد اول، ذیل آیه ۴۸ از سوره الانفال به روایاتی مثل روایت ناظر به تمثل شیطان به صورت سراقه بن مالک بر مشرکین در جنگ بدر، اشاره می کند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، صفحه ۴۹۱) مبنای نظر فخر قدرت مطلق الهی است: اگر خداوند شیطان را قادر بر انواع وساوس ساخته است چرا او را قادر بر تمثل نسازد؟ فخر علاوه بر اقامه استدلال به اشکالات مطرح در باره تمثل شیطان در قالب بشر نیز پاسخ داده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۷۷-۴۷۸ و ص ۴۹۱-۴۹۲). در مورد روش پنهانی تاثیر بر قلوب، این سوال مطرح می شود که چگونه شیطان می تواند به جوارح داخلی انسان نفوذ کرده و وسوسه باطنی داشته باشد. فخر به نظریه فلاسفه که شیطان و نفس را مجرد می دانند اشاره می کند. استبعاد نیست که شیطان به عنوان موجودی مجرد وسوسه را به نفس مجرد انسانی القاء کند. او نظر دیگری را نیز مطرح می کند که بنا به آن ملائکه و شیاطین اجسام لطیف هستند که نفوذ آنها در عمق اجسام متراکم از جمله جسم انسان بعید نیست. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۸۶-۸۷)

شیطان نیازمند آن است که با قوای انسان در تعامل باشد. قوای شهوت، غضب و وهم می توانند به صورت ورودی های شیطان عمل کنند.^۱ (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۳۰۰). فخر این سه قوه را به حاکم و مدبر در امور مملکت بدن تشبیه نموده و ضمن تعیین جایگاه هریک در کبد، قلب و مغز، روایت «ان الشیطان لیجری من ابن ادم مجری الدم» را بر این تحلیل، تطبیق می نمایند. (رازی، ۱۴۰۶، النفس و الروح، ص ۸۴)

۱. فخر ضمن تفسیر آیه ۱۷ از سوره الاعراف، به نقل از حکماء، قوهی خیال را نیز اضافه می کند. (رازی،

فخر در توضیح این قوا، قوه شهوانی را راغب کسب لذات شهوانی، قوه غضبیه را کوشا در آزاررسانی به دیگران و قوه وهمیه را راغب در برتری جویی بر مردم می‌داند و سه صفت فحشاء، منکر و بغی را که خداوند در آیه ۹۰ از سوره النحل مورد نهی قرار داده است، ناظر بر لوازم این سه قوه برمی‌شمرد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۶۱-۲۶۲)^۱

او در یک تحلیل اخلاقی معتقد است نتیجه‌ی قوه شهوت یا حیوانی، حرص و بخل و موجب ظلم به نفس، نتیجه قوه غضب یا سبعی، عجب و کبر و موجب ظلم به غیر و نتیجه قوه واهمه یا شیطانی، کفر و بدعت است و موجب ظلم به خداوند می‌گردد. از مجموع این شش خصلت یعنی حرص، بخل، عجب، کبر، کفر و بدعت، رذیلت حسد حاصل می‌شود که در نهایت اخلاق رذیله و مجمع شرور انسانی است، و خود شیطان نیز بالاترین مرتبه از این رذیلت را داراست و در آیه ۵ از سوره فلق به آن اشاره شده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۲۷)

وسوسه شیطان از طریق خواطر انجام می‌شود. خواطر شیطانی ادراکاتی است که داعی به شر است و به محض غفلت قلب، به ذهن خطور می‌کنند. این خواطر توسط شیطان محقق می‌شود. قلب مانند قبه‌ای با درهای متعدد است که ورودی‌های آن ساعت به ساعت از دو طریق ظاهر یعنی حواس پنج‌گانه و باطن یعنی خیال و شهوت و غضب، تغییر می‌کند و ادراکات حاصل از هر دو طریق در قلب اثر خود را خواهد گذاشت و حتی اگر انسان مانع ادراکات ظاهری شود، خیالات حاصل در نفس باقی است و خیال‌ها یکی پس از دیگری انتقال می‌یابد و قلب به حسب این خیالات دائماً در حال تغییر و تحول است.^۲ اگر شیطان راهی به سوی قلب پیدا کند، در آنجا منزل گزیده، جنودش را سکنی می‌دهد و نتیجه آن هم و غم و تنگی صدر است. لذا جایی برای طاعت الهی و لذت آن باقی نمانده و شخص پیوسته در نافرمانی و معصیت ادامه مسیر می‌دهد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۰۵)

از نظر فخر مادامی که نفوس بشری عاری از صفات رذیله باشند، از جنس ارواح

۱. فخر رازی این تفسیر را برداشت شخصی دانسته که امکان خطا در آن وجود دارد.

۲. ضعیف‌ترین حالت ممکن از حالت‌های اثر‌گذاری شیطان هنگامی است که پیروی از شیطان به مرحله قلبی نرسیده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۲۹۸-۲۹۹)

طاهره هستند و اگر گرفتار صفات رذیله شوند با نفوس غیر طاهر یا همان شیاطین مرتبط می شوند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۲۱) اگر اراده انسان بر انجام امور خیر باشد، فرشتگان با الهام این اراده را تقویت می کنند و اگر اراده انسان بر انجام امور شر باشد، شیطان آن را با وسوسه تقویت می کند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۲۱)

این توضیحات نشان می دهد که از نظر فخر کارکرد وسوسه ایجاد وارونگی معرفتی است. شیطان ظن فاسد را زینت می دهد تا جایی که آن را برای شخص به صورت یقین قطعی جلوه می دهد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۷۴-۷۵) شخص گمان می کند آنچه مشتمل بر مضار و آلام بسیار است، نافع و لذت بخش است و بر مبنای این اعتقاد باطل، اراده اش محقق شده و تصمیم به عمل می گیرد. شیطان هنگام دعوت به معصیت، مضرات آن را نفی نموده و در مقابل انواع لذات دنیوی و انحصار زندگی در این دنیا را خاطر نشان می کند. او همزمان زندگی پس از مرگ را عبث جلوه می دهد، فواید آن را نفی می کند و زمینه انکار زندگی پس از مرگ را در شخص ایجاد می کند تا به تبع آن نفرت از اطاعت اوامر الهی را در شخص ایجاد کند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۶۹)

بدین ترتیب شیطان به جای تاثیرگذاری بر تحقق خود عمل، بر اعتقاد شخص و زمینه های معرفتی او اثرگذار است. از همین جهت است که استعاذه از شیطان، هم در موارد مربوط به اعتقادات و هم در مسائل مربوط به اعمال لازم است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۲) وارونگی معرفتی، انسان را دچار حالتی از ظاهرگرایی می کند که در اصطلاح قرآنی با تعبیر غرور از آن یاد شده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۲۴-۲۲۵)

۳. عوامل اثرپذیری نفس از شیطان در تحقق شرور اخلاقی

چرا برخی از انسان ها به وسوسه شیطان ترتیب اثر می دهند و برخی خیر. فخر رازی مطالب مختلفی در آثار خود آورده است که توجه تحلیلی به آنها می تواند پاسخ این سؤال را در اختیار ما قرار دهد. ابتدا به عوامل اثرپذیری نفس از شیطان اشاره می کنیم و در قسمت بعدی عوامل اثرناپذیری نفس از شیطان را توضیح می دهیم.

۳-۱. خروج مزاج عقل از اعتدال

فخر رازی در کنار سه قوه باطنی مورد بهره شیطان، از قوه عقلانی نام می برد که به

مرور زمان تا اواخر عمر تکامل می‌یابد. شرایط مزاج عقلی در فراهم کردن زمینه اثرپذیری از شیطان، مؤثر است. از آثار خروج این مزاج از اعتدال، علاوه بر افزایش میل شخص به معصیت و پیروی از قوای نفسانی، وارونگی معرفتی و ترجیح دنیا بر آخرت است. در مقابل با اصلاح مزاج عقلی، تمایل به حق افزایش یافته و انجام اوامر الهی و ترک منہیات، مشقت بار نخواهد بود. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۲۹۹-۳۰۰ و ج ۶، ص ۳۶۷-۳۶۹)

۲-۳. ضعف قوه حافظه

یکی از راه‌های اثرگذاری شیطان، دچار فراموشی کردن است. فخر رازی ذیل آیه ۱۱۵ از سوره طه، فراموشی عهد الهی در به خاطر سپردن دشمنی شیطان را، دال بر ضعف قوه حافظه بشر دانسته و برای رفع مشکل، استعانت و طلب توفیق از خداوند در تحصیل علم را پیشنهاد می‌دهد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۰۵)

۳-۳. استعانت انسان از قوای نفسانی شهوت و غضب

قوای شهوت و غضب، به تحصیل لذت حاضر و پیروی از احکام خیال و وهم امر می‌کنند. پیروی از این قوا، زمینه اثرگذاری شیطان در ایجاد وارونگی معرفتی و ترجیح وعده‌های دروغین آن را فراهم می‌سازد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۶-۵۸)

۴-۳. حب دنیا و لذات دنیوی

فخر رازی، حب دنیا را مانع تجلی نور الهی بر روح انسانی و در نتیجه زمینه‌ساز عملکرد شیطان می‌داند. کسب فضائل جود و سخاوت از فضائل نفسانی است که در نتیجه تجلی انوار الهی حاصل شده و حب دنیا مانع این تجلی است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۵-۵۷) دوری از یاد خداوند، از نتایج حب دنیا و آفات آن است که در نهایت منجر به همنشینی با شیطان و تاثیرپذیری مداوم از آن می‌گردد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۶۳۲)

۵-۳. گناه

از نظر فخر به دنبال معصیت و جنایاتی که از افراد صادر می‌شود، شیطان بر گمراهی آنها قدرت می‌یابد زیرا گناه، گناه می‌آورد، همانگونه که طاعت، طاعت می‌آورد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۹۸-۳۹۹) همچنین ذیل آیه ۴۳ از سوره الانعام^۱ به این نکته توجه دارد که

۱. «... وَ لَکِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

قساوت قلب، به عنوان عامل مؤثر در معصیت، نتیجه و به واسطه فعل ناپسند انسان است.

۴. زمینه‌های اثر ناپذیری نفس از شیطان در تحقق شرور اخلاقی

۴-۱ استعاده

فخر رازی با تکیه بر آیه ۲۰۱ از سوره الاعراف^۱ بر این مطلب تصریح دارد که استعاده به خداوند، موجب ترس شیطان و مانع از القاء وسوسه و تحقق شرور اخلاقی است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۶۹ و ج ۲۹، ص ۳۸۳)

او در نیاز به استعاده چنین استدلال می‌کند که: اختلاف علما در حل مسائل علمی و اعتقادی، علی‌رغم اراده آنها و نیز ناتوانی بندگان در تشخیص نفع و ضرر اعمال روشن است. مطلق و غیر مقید بودن استعاده در آیه ۹۷ از سوره المؤمنون^۲ نیز نشانگر این ناتوانی در دو حیطة عقاید و عمل است. بنابراین استعاده به درگاه الهی و طلب اعانت و فضل الهی لازمه رهایی از امواج ضلالت و وساوس شیطانی است.

رکن اصلی استعاده علم است، علم به قدرت خداوند و عجز و وابستگی عبد در جلب منافع و دفع ضررهای دینی و دنیوی. این علم، در قلب و زبان، حالتی از تواضع به نام تضرع و خضوع ایجاد می‌کند. در نتیجه شخص با قلب و زبان طالب دریافت خیرات و حسنات می‌گردد و این طلب همان استعاده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۱-۷۳) یادآوری نعمت‌ها و عقاب الهی موجب روی آوردن به شرع، رویگردانی از اقتضای طبع حیوانی و ایستادن در برابر وسوسه‌های شیطان می‌گردد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۳۶-۴۳۸)

۴-۲. تحصیل علم و حکمت

مطابق آیات ۲۶۸ و ۲۶۹ از سوره البقره، حکمت، وعده رحمن؛ و شهوت و نفس، وعده شیطان را ترجیح می‌دهند. مراد از حکمت با توجه به تمامی تفاسیر وارد شده همان علم است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۶-۵۸) با داشتن علم به حقایق، لذات زودگذر دنیوی در مقابل لذت دائم اخروی بی مقدار شده و باور به دروغین بودن وعده‌های شیطان، در نفس شکل گرفته و اثرگذار نخواهد بود. قدرت بر دشمنی با شیطان را یکی از ویژگی‌های مومن

۱. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»

۲. «وَقُلْ رَبِّ اغْوُدْ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ»

دانسته که تنها با واسطه دارا بودن علم به دست می آید. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۰۴). استغفار آدم (ع)، به واسطه علمش و در مقابل، باقی ماندن شیطان در گمراهی، به دلیل جهلش است و در نهایت، معصیت زاییده جهل است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱۱)

برای مثال اعمال ناپسندی همچون ریا و غضب ناشی از جهل و دوری از معرفت حقیقی است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۶۳). هنگام غضب سه اعتقاد در نفس شکل می گیرد: قبح عمل فرد مقابل، قدرت به غضب در خود، عجز فرد مقابل. نزد عالم به حقایق، این سه اعتقاد باطل است. زیرا با علم به اینکه خدای تعالی داعی این عمل را در شخص ایجاد نموده و ترک عمل ممتنع است و نیز با علم به قدرت الهی و عجز خویش هر سه اعتقاد فاسد است.

این علم به حقایق همان تذکری است که در آیه ۲۰۱ از سوره الاعراف^۱ طرح شده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۳۷) و این تذکر همان ازاله ظلمت بشری است. با این استدلال که: هر چه غیر خداوند است، ممکن الذات بوده و از حیث وجود، بر عدم باقی است و عدم منبع ظلمت است. بنابراین ما سوی الله در ذات خود ظلمانی است؛ از طرف دیگر حق، واجب الوجود بالذات و منبع نور است. بنابراین اشتغال به منبع نور، موجب وصول انوار عالم ربانی به باطن قلب و در نتیجه از میان رفتن ظلمات بشری از قلب و روح است. (رازی، ۱۴۲۰، لوامع البینات، ص ۵۲)^۲

استعاذه نیز با علم حاصل می شود. این معنا در آیه «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ...» (الاعراف/۲۰۰) آمده است و از آنجا که خداوند علیم به ما فی الضمیر است، هر گاه علم به معنی واقعی استعاذه در قلب حاضر شود، استعاذه موثر واقع خواهد شد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۳۶)

واژه عقل نیز مترادف و مفید معنای علم است. به واسطه عقل، حسن و قبح و ضرر و نفع امور شناخته می شود. لذا هر گاه منفعت چیزی به واسطه عقل تشخیص داده شود داعی

۱. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ».

۲. فخر رازی فکر را برتر از ذکر دانسته و معتقد است نتیجه آن طرد شیطان و احتراز از وساوس و اشتغال به حق و اعراض از ماسوی الله است. (رازی، ۱۴۰۶، لوامع البینات، ص ۶۵).

و انگیزه برای انجام آن و برعکس، ایجاد می‌شود. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۲۲) بنابراین تمسک به علم و حکمت از مهمترین موانع اثرگذاری شیطان در تحقق شرور اخلاقی خواهد بود.

۳-۴. شرح صدر

فخر رازی ضمن اشاره به وسوسه شیطان در صدر یا همان قلب انسان (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۰۶) از جمله موانع تحقق کارکرد وسوسه را، شرح صدر دانسته که منجر به ازاله وسوسه با دواعی خیر می‌شود. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۰۶) یکی از معانی شرح صدر طلب مقام قرب برای در امان ماندن از وساوس شیاطین جن و انس است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۳۶) در نتیجه‌ی این مقام، شخص، نه از روی رغبت و نه از روی ترس، توجهی نسبت به دنیا نداشته و متعلقات دنیا در نظر او کوچک می‌گردد. این حالات حاصل از شرح صدر مانع تاثیر عملکرد شیطان می‌گردد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۴۲)

۴-۴. عبودیت (اخلاص)

بالاترین مقام و منزلت مکلف، مرحله عبد شدن است که بالاتر از مرحله خلافت الهی است. از آنجا که معنای عبادت، اطاعت و انقیاد محض است، قطعاً شیطان هیچ گونه نفوذ و تأثیری بر کسانی که به این مرتبه رسیده‌اند نخواهد داشت (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۴۲) این معنا از تبعیت محض، همان اخلاص عمل برای خداوند است. در برخی آیات بر مصونیت مخلصین از کید و وسوسه‌های شیطان تاکید شده است.^۱ خود شیطان به طهارت و مصونیت ایشان علم داشته و بر ناتوانی در گمراه سازی آنها از مسیر هدایت، اعتراف نموده است.^۲ (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۴۱ و ج ۱۹، ص ۱۴۵) در برخی از آیات، وصف «مخلصین» برای انبیاء به کار رفته است؛ لکن زمانی که اخلاص برای خاص ثابت شود، برای کل نیز صادق است و این وصف می‌تواند غیر از انبیاء را نیز شامل شود. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۷)

۱. فخر رازی با تکیه بر اخلاص، به وجوب عصمت انبیاء استدلال نموده است. (رازی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۱۲۰)

و رازی، ۱۴۰۹، ص ۳۱)

۲. «قَالَ فِعْرَتُكَ لِأَعْوِيْتَهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (ص: ۸۲-۸۳) آیات ۳۹ و ۴۰ از سوره مبارکه الحجر نیز مشابه این آیه است.

در شبکه معنایی عبودیت و اخلاص، ایمان به مبدأ و معاد به معنای حقیقی نیز جای دارد. آیه ۱۷۵ از سوره آل عمران، در صدد بیان این حقیقت است که ایمان اقتضای آن را دارد که خوف الهی بر خوف‌های دیگر من جمله خوف شیطان ترجیح داده شود. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۳۵)

۴-۵. تسلط گروهی از ملائکه

فخر رازی ضمن بیان تفاوت ملائکه و شیاطین در دعوت به شر و خیر^۱، معتقد است گروهی از ملائکه در مقابل شیاطین، بر ما موکل و مسلط هستند و مانع تسلط آنها می‌گردند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۸) آیات متعددی که فخر به آن استناد می‌کند عبارت است از:

آیه ۲۷ از سوره الجن: که منظور آیه، ملائکه محافظ است که پیامبر را هم از آزار و اذیت شیاطین انسی و هم از وساوس شیاطین جن حفظ می‌کنند تا در مرحله ابلاغ وحی مصون بمانند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۶۷۹)

آیه ۲ از سوره الصافات: یکی از وجوه توصیف ملائکه به «زاجر»، تأثیر ملائکه از طریق الهام بر قلب انسان‌ها در دور کردن آنها از معاصی است؛ یا تأثیر ملائکه بر شیاطین و دور کردن آنها از تعرض و رساندن شر و آزار به انسان‌ها است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶، ص ۳۱۳-۳۱۴)

آیه ۱۲ از سوره الانفال: که یکی از وجوه معنایی تثبیت، القاء الهام توسط ملائکه بر قلب انسان‌ها در مقابل القاء وسوسه شیاطین است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۶۳)

۴-۶. عصمت الهی

فخر رازی عامل اصلی محفوظ ماندن از وسوسه‌های شیطان را عصمت الهی عنوان نموده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۶۸-۲۶۹) وی در ذیل آیه ۵۳ از سوره یوسف به این بخش از آیه توجه دارد که انصراف نفس از شر شیطان تنها با رحمت الهی امکان پذیر است. البته این رحمت، اعطاء عقل، قدرت و الطاف الهی نیست؛ زیرا مشترک میان مؤمن و کافر است. بلکه ترجیح داعی طاعت بر داعی معصیت است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ص ۴۷۱)

۱. در روایات آمده است « إن الله إذا أراد بعبد خيراً...وكل به ملكا يسده». (عیاشی،^۱

۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۱)

اگر نصرت الهی نبود جز عده قلیلی که اهل بصیرت و دارای نیت قوی بودند و دستیابی به دنیا را شرط حقانیت دین نمی‌دانستند، همگی پیرو شیطان بودند. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۵۶ و ج ۲۰، ص ۳۷۰)

نتیجه گیری

توجه به آثار مختلف فخر رازی به ویژه تفسیر مفاتیح الغیب به ما اجازه می‌دهد که دیدگاه او را در مسئله نقش شیطان در تحقق شرور اخلاقی بازسازی کنیم. برای بازسازی دیدگاه او لازم بود که هم به شیطان به عنوان عامل تاثیر گذار و هم به انسان به عنوان فاعل شرور اخلاقی توجه شود. توجه توأمان به شیطان و انسان به معنای توجه به دو سوال اصلی بود: مکانیسم اثر گذاری شیطان بر انسان که منجر به تحقق شرور اخلاقی می‌شود چیست و زمینه‌های وجودی انسان اعم از زمینه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری که منجر به ایجاد یا پرهیز از ایجاد یک شر اخلاقی توسط انسان می‌شود کدامند. پاسخگویی به این دو سوال در قالب بخش‌های مختلف مقاله نشان می‌دهد که نقش قوه واهمه^۱ در ایجاد داعی و انگیزه برای انجام فعل یا ترک آن فراوان است. قوه واهمه ورودی اصلی شیطان بوده و مساله خواطر، تدلیس، ظاهر نمایی و وارونگی معرفتی که محوری‌ترین مسائل در تبیین مکانیسم عملکرد شیطان است، با در نظر گرفتن کارکرد این قوه، قابل تحلیل است. عوامل اثر گذار در عملکرد شیطان، موجب تقویت قوه واهمه و موانع تحقق کارکرد شیطان، موجب تقویت قوه عقلانی و تاثیر ناپذیری از وساوس شیطانی می‌گردد. آن چه گفته شد می‌تواند دستور العمل‌هایی را در اختیار ما قرار دهد که با توجه به آنها از بروز شرور اخلاقی جلوگیری کنیم. در نگاه فخر رازی مهم‌ترین عامل برای جلوگیری از شرور اخلاقی عامل معرفتی است. لذا با تقویت قوه عقلانی می‌توانیم از بروز شرور اخلاقی جلوگیری نماییم.

۱. ملاصدرا قوه واهمه را شیطان درون نامیده و گاه آن را راه نفوذ شیطان به نفس آدمی معرفی نموده است. ر.ک: ترابی و جوادی، ۱۳۹۴، صص ۵۵-۶۹.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بهشتی، احمد، علیرضا فارسی نژاد (۱۳۹۰ش)، «فخر رازی بر سر دوراهی جبر و اختیار»، اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۴۱.
۳. پورحسین، قاسم، حاتمیان، علی. (۱۳۹۴ش)، «بررسی و نقد نظریه بسامدی شر، بر اساس تقریر و سلی سمون»، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، سال سیزدهم، شماره ۲۶.
۴. ترابی، نفیسه، محسن جوادی (۱۳۹۴ش)، «چیستی وهم، نسبت آن با عقل و نقش آن در اخلاق و عرفان نزد ملاصدرا»، دوفصلنامه حکمت صدرایی، سال سوم، شماره ۲۰.
۵. خادمی، عین الله (۱۳۹۵)، «تبیین وجودی شیطان از منظر فخر رازی»، دوفصلنامه پژوهش های هستی شناختی، شماره ۱۰.
۶. رازی، فخر الدین (۱۹۸۶م)، الأربعین فی أصول الدین، قاهره، مکتبه کلیات الازهریه، چاپ اول.
۷. رازی، فخر الدین (۱۴۰۹ق)، عصمه الانبیاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم.
۸. رازی، فخر الدین (۱۴۱۴ق)، القضا و القدر، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
۹. رازی، فخر الدین (۱۴۰۶ق)، لوامع البینات شرح اسماء الله تعالی و الصفات، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه.
۱۰. رازی، فخر الدین (۱۴۰۷ق)، المطالب العالیه من العلم الاهی، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ اول.
۱۱. رازی، فخر الدین (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۲. رازی، فخر الدین (بی تا)، النبوات و ما يتعلق بها، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه.
۱۳. رازی، فخر الدین (۱۴۰۶ق)، النفس و الروح و شرح قواهما، تهران، افست تهران.

۱۴. زارع، حسین، مصطفی سلیمانان (۱۳۹۴)، «بررسی فلسفه وجودی شیطان»، فصلنامه تحقیقات کلامی، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۵. شکر، عبدالعلی (۱۳۹۳)، «وسوسه شیطان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۸.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، چاپ اول.
۱۷. قاسمی، علی محمد (۱۳۸۱ش)، «شیطان شناسی در قرآن»، معرفت، شماره ۶۲.
۱۸. طاهریان دهکردی، بتول، جنان امیدوار (۱۳۹۱)، «ماهیت ابلیس از نگاه قرآن»، فصلنامه پژوهش دینی، شماره ۲۴.
۱۹. نام آور، فاطمه، نبوی، لطف الله، سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۶)، «تقریر نوین مسئله منطقی شر و دفاع اختیار گرایانه» پژوهشنامه فلسفه دین، سال پانزدهم، شماره ۲۹.